

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انقلاب بهمن

فاجعه رژیم ولایت فقیه ریشه اساسی ناکام ماندن انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و تحقق نیافتن آرمان های آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

با فرا رسیدن ۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۲، بیست و پنج سال از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران بر ضد حکومت دیکتاتوری، پلیسی و وابسته پهلوی می گذرد. انقلاب بهمن ۵۷، انقلاب توده های عظیم خلق برای حاکم شدن بر سرنوشت شان و تحقق آرمان های والایی همچون آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود. بیش از دو دهه سرکوب خشن و خونین حقوق و آزادی های دموکراتیک، و پیگرد نیروهای

دموکراتیک و آزادی خواه توسط دستگاه امنیتی شاه - ساواک سبب شد که سکان رهبری انقلاب در اختیار کسانی قرار گیرد که با وجود همه ادعاها و قول هایی که پیش از پیروزی انقلاب و در نخستین ماه های پس از پیروزی انقلاب می دادند، هدف اساسی شان نه بر پایی ایرانی آزاد، و مستقل بلکه در دست یابی به قدرت سیاسی و استقرار یک

ادامه در صفحه ۳



شماره ۶۸۰، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۲



آماده انتشار شد
مجموعه اسناد پنجمین کنگره حزب توده ایران شامل: گزارش کمیته مرکزی، برنامه و اساسنامه نوین، تزهایی درباره سیاست های حزب پس از انقلاب، پیام های کنگره و پیام های رسیده به کنگره بزودی منتشر می شود.

کارگران مبارز و ضرورت هوشیاری در برابر ترفند های ارتجاع

ارتجاع در شرایط حساس کنونی برای مهار و خنثی ساختن جنبش اعتراضی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما، علاوه بر توسل به سرکوب خونین نظیر آنچه در شهر بابک رخ داد، از حربه فریب و تیرنگ با هدف منحرف کردن مبارزات کارگری نیز استفاده می کند!
در اوضاع بسیار بغرنج و سرنوشت ساز کنونی، مجموعه نیروهای مخالف آزادی و تغییر و تحول در کشور و در رأس آنها جناح ذوب در ولایت برای تحکیم موقعیت خود، از شیوه ها و روش های گوناگون بهره می گیرند. این سیاست در مقابله با جنبش کارگری به عنوان اصلی ترین گردان مردمی نمود بارز و قابل تأملی دارد.
هفته های اخیر، شاهد اوج بحران ناشی از اقدامات

ادامه در صفحه ۲

انتخابات فرمایشی اول اسفندماه، تشکیل مجلس ذوب در ولایت و پایان خط برای دولت اصلاحات حکومتی

درباره حوادث کشور، ضمن دفاع شدید از اقدام های سرکوبگرانه ارتجاع از جمله اعلام کرد: «متأسفانه چند سال گذشته جریانانی خواسته یا ناخواسته ستم های فراوان به ارزش ها و آرمان های ملت روا داشتند. همان طور که بارها خطر تکرار مصائب مشروطیت را متذکر شدم، این جریان می رفت خدای ناکرده، انحرافی در اصل نهضت پدید آورد. خوشبختانه هوشیاری ملت و عمل به وظیفه نهادهای قانونی ناظر به انتخابات خطر را به حداقل کاهش داده اند.» کنی با متهم کردن معترضان، به عوامل بیگانه بودن، می افزاید: «اما این جریان هنوز امید به پشتیبانی اجانب دارد و مستظهر به حمایت بیگانه است. به همین دلیل هنوز دست از ایراد تهمت و افترا و جنگ روانی علیه ملت و نهادهای قانونی برداشته و همچنان بر طبل خصومت می کوبد. توطئه تحریم و کم رنگ کردن حضور مردم در صحنه انتخابات همچنان در دستور کار این جریان قرار دارد. حرف اول و آخر این جریان حذف دین از عرصه عمومی و به حاشیه راندن آن به حوزه خصوصی است و در

اول اسفندماه هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد. حذف هزاران نامزد انتخاباتی، به دستور ولی فقیه و دیگر سران درجه اول رژیم، در کنار تدارک گسترده ارگان های امنیتی و سرکوبگر برای مقابله با مخالفان، برنامه ریزی های انجام گرفته برای ریختن میلیون ها رای قلابی به صندوق ها، و تلاش های پشت پرده برای توافق با آمریکا و دولت های اروپایی برای ساکت نگاه داشتن آنها در مقابل حرکت های بیش از پیش سرکوبگرانه ارتجاع، راه حل سران رژیم برای مقابله با اوج گیری بحران سیاسی بی است که در ماه های اخیر میهن ما را در خود فرو برده است.
حملات گسترده تبلیغاتی کارگزاران ارتجاع، از جمله ناطق نوری، خزعلی و چماق داران مطبوعاتی ولی فقیه و تهدید اصلاح طلبان به سرکوب شدید همگی نشانگر برنامه های وسیعی است که ارتجاع برای دوران پس از تشکیل مجلس «ذوب در ولایت» هفتم تدارک دیده است. مهدوی کنی، فراماسون معروف، دبیر جامعه روحانیت مبارز، و از چهره های مهم پشت پرده ارتجاع، با انتشار بیانیه یی

ادامه در صفحه ۶

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

بوروکراتیک نوین، رشد یافته در درون دستگاه اداری فاسد جدید، به غارت منافع میهن پرداخت.

تاریخ بیست و پنج سال گذشته نشان می دهد که خمینی و نزدیکان او برخلاف تمامی قول هایی که در جریان انقلاب و خصوصاً ماه های نخست انقلاب به مردم دادند نه تنها به سمت استقرار حاکمیت متکی به آرای مردم حرکت نکردند، بلکه با عمده کردن و تحمیل «اسلام» به عنوان روبروی نظام بر آمده از انقلاب و با تحمیل اصل «ولایت فقیه» و گنجاندن آن در قانون اساسی کشور راه پیشرفت انقلاب و فرا رویی آن به یک انقلاب اجتماعی را سد کردند و انقلاب پس از طی پیروزمند مرحله سیاسی اش، که سرنگونی رژیم ستم شاهی بود از مسیر خود منحرف و فاجعه کنونی در میهن ما را پایه ریزی کردند. رهبران رژیم برای تحقق برنامه های ارتجاعی و ضد مردمی شان آن چنان موجی از خشونت و سرکوبگری را در جامعه حاکم کردند که حتی شماری از رهبران درجه اول مذهبی و «مراجع تقلید» به زندان و گوشه نشینی محکوم شدند و یا با انواع دسیسه ها از سر راه برداشته شدند. کشتار هزاران انسان دگراندیش، زندانیان سیاسی ۲۵ سال زندان کشیده در دوران شاه، نویسندگان، مترجمان و اندیشمندان فرهیخته، کارگران آگاه و سندیکالیست ها و شکنجه و آزار هزاران زندانی سیاسی و تحمیل عقاید قرون وسطایی زن ستیزانه بر میهن ما کارنامه سیاه کاری سران رژیمی است که با غضب رهبری انقلاب مردم میهن ما امکان تاریخی یگانه بی را به نابودی کشاندند.

بیست و پنج سال پس از پیروزی یکی از بزرگ ترین انقلاب های اجتماعی قرن بیستم میهن ما اسیر رژیمی استبدادی و واپس گراست که اکثریت شهروندان آن در محرومیت و فقر اقتصادی به سر می برند. اقتصاد ورشکسته متکی به نفت، میلیون ها بیکار، بی برنامه گی برای ایجاد یک زیر ساختار تولیدی سالم، با بهره وری از درآمد هنگفت نفت و دیگر منابع ملی همچون گاز، تشدید فاجعه بار فاصله طبقاتی در جامعه، که در آن ده ها میلیون انسان زیر خط فقر به سر می برند، در حالی که اقلیتی بسیار محدود، به ویژه سران درجه اول رژیم، ثروت های افسانه بی به جیب زده اند، رشد فاجعه بار ناهنجاری های اجتماعی، از جمله اعتیاد گسترده جوانان و فحشا نتیجه مستقیم سیاست ها و حاکمیت گروهی مستبد و ورشکسته نظری است که تنها با اتکاء به زور سر نیزه و ده ها هزار مزدور مسلح و نیمه مسلح به حیات خود ادامه می دهند.

ایران در شرایطی بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب بهمن را برگزار می کند که بخش های اساسی آرمان های انقلاب همچنان تحقق نیافته باقی مانده است. تجربه شش سال گذشته و برگزاری چندین فرماندوم ملی، در شکل انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس ششم و انتخابات نخستین دوره شوراهای شهر و روستا نشانگر تضاد آشتی ناپذیر رژیم

«نظام اسلامی»، متکی بر حاکمیت مطلق روحانیت خلاصه می شد.

انقلاب بهمن ۵۷ جنبش عظیمی بود که اکثریت مردم کشور ما را از طبقات و قشرهای گوناگون با خواست ها و دیدگاه های متفاوت در آن شرکت کردند و یکی از مهمترین پایگاه های سرمایه بین المللی و ارتجاع در منطقه خاورمیانه را درهم کوبید. شرکت اکثریت مردم و نیروهای سیاسی کشور از حزب توده ایران تا نیروهای مذهبی نشان گر خصلت عمیقاً خلقی انقلاب و توان عظیم اجتماعی آن بود.

انقلاب ایران بر پایه تشدید تضادهای درونی و بیرونی جامعه، که عمده ترین آن تضاد میان همه خلق ها با امپریالیسم در خارج و رژیم دست نشانده سلطنتی که سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ در داخل پایگاه های اصلی آن را تشکیل می دادند، شکل گرفت. نیروهای مذهبی، به رهبری خمینی، از همان آغاز تلاش کردند با اعلام اینکه انقلاب ایران یک «انقلاب اسلامی» است آن را انقلابی در راستای پیاده کردن حکومتی اسلامی در ایران معرفی کنند. خمینی بارها در سخنرانی ها خود بر این نکته تأکید کرد که مردم ایران برای «اسلام انقلاب کردند و نه چیز دیگری». بررسی تاریخی و واقع گرایانه شرایط عینی و ذهنی جامعه ایران در آستانه انقلاب و همچنین بررسی خواست ها و شعارهای گوناگون مردم که در حرکت های گوناگون اعتراضی تبلور می یافت نشان می دهد که این ادعای خمینی و همراهان او با واقعیت همخوانی ندارد. طرح شعارهایی همچون «آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی» از سوی توده های میلیونی شرکت کننده در انقلاب نشان گر ماهیت عمیقاً ملی و دموکراتیک انقلابی است که در میهن ما رخ داد. پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم شاهنشاهی نخستین مرحله پیروزی انقلاب، یعنی مرحله سیاسی آن بود. با این پیروزی، کلان سرمایه داری وابسته که تمامی ارکان حاکمیت را در اختیار داشت، سرنگون شد و به جای آن ائتلافی از سرمایه داری تجاری، سرمایه داری ملی (نماینده بخش های کوچک و متوسط سرمایه داری صنعتی) و خرده بورژوازی سنتی، حاکمیت سیاسی جامعه را به دست گرفت. تنها نیروهایی که از همان ابتدا کوچکترین نقشی در حاکمیت نداشتند، طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و روستا و نمایندگان سیاسی آنها بودند. توازن این ائتلاف از همان نخست با خرده بورژوازی شرکت کننده در این ائتلاف بود، که از بخش سنتی جامعه ما و بعضاً عقب مانده ترین و از نظر بیشترین ارتجاعی ترین بخش آن بود. این خرده بورژوازی سنتی نماینده گرایش های واپس گرایانه مذهبی جامعه بود و بخش های عمده بی از روحانیتی که پس از انقلاب حاکمیت را قبضه کرد، نماینده این قشرها در جامعه بود. از ویژگی های نظری این گروه تحجر فکری، مخالفت با آزادی و حقوق دموکراتیک، زن ستیزی و پان اسلامیسم شدید بود.

ادعاهای سران رژیم در ارتباط با حوادث و تاریخ انقلاب بهمن و سرنوشت دردناک آن نه تنها همخوانی با واقعیات ندارد بلکه به گواهی انبوهی از اسناد تاریخی، از جمله بسیاری از نوشته ها، خاطرات و کتاب های انتشار یافته از سوی شماری از رهبران حکومت در سال های نخستین آن، تلاش مذبحخانه بی است از سوی این نیروها برای توجیه فاجعه که به نام رژیم ولایت فقیه بر میهن ما تحمیل شده است. واقعیت تاریخی این است که با پشت کردن روحانیت حاکم به آرمان های آزادی خواهانه، استقلال جویانه و عدالت طلبانه توده های عظیم مردم یار دیگر رژیم استبدادی در میهن ما استقرار یافت و بار دیگر اقلیتی کوچک از بزرگ سرمایه داران، کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری

شرکت نماینده حزب توده ایران در سی و چهارمین کنگره حزب کمونیست کانادا



سی و چهارمین کنگره ملی حزب کمونیست کانادا با شرکت وسیع نمایندگان از سراسر کانادا با موفقیت در شهر مونترئال برگزار شد. کنگره از ۲۹ ژانویه تا ۱ فوریه ۲۰۰۴ در یکی از ساختمان های تاریخی مونترئال شهر حرکت ها و

جنبش های بزرگ کارگری و اجتماعی آمریکای شمالی با حضور چشمگیر نمایندگان و فعالان کارگری کانادا و به خصوص جوانان کمونیست تشکیل گردید. در طی سه روز اعضای کنگره برنامه جدید حزب و نیز شعارهای مبارزاتی حزب در انتخابات آینده و مبارزه برای صلح جهانی و ایجاد جبهه متحد مردم را مورد بررسی و با اکثریت آرا تصویب کردند. تشکیل این کنگره در مونترئال با توجه به تظاهرات و اعتصاب های کارگری و اتحادیه های کارگری و کارمندی استان کبک در طی ماه ژانویه ۲۰۰۴- که دولت لیبرال استان در صدد ایجاد محدودیت و حذف نقش آنها در جامعه می باشد تا بتواند به راحتی سیاست های خصوصی سازی و نیز حذف حقوق اجتماعی نیرو های زحمتکش را اجرا نماید- در این شهر حادثه بسیار مهمی بود که از طرف مطبوعات و نیرو های مترقی با جدیت پیگیری می شد. در طول کنگره چندین مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با مسایل مهم جهانی و داخلی کانادا برگزار شد و نقطه نظرات حزب کمونیست کانادا بخصوص در مورد سیاست های مداخله جویانه امپریالیست ها به سرکردگی آمریکا در نقاط مختلف جهان و محکومیت حمله و نابودی مردم عراق و افغانستان ترتیب داده شد. بیش از ۵۰ پیام همبستگی از طرف احزاب و جنبش های مترقی جهان به کنگره ارسال شده بود و نیز تعداد زیادی از احزاب و جنبش ها نمایندگان خود را به کنگره اعزام کرده بودند که مورد استقبال نمایندگان کنگره قرار گرفتند. نماینده حزب توده ایران نیز در کنگره با حضور فعال خود پشتیبانی حزب ما را از فعالیت حزب برادر اعلام کرد و پیام کمیته مرکزی به کنگره حزب برادر را خواند که با استقبال شدید شرکت کنندگان قرار گرفت. در این پیام از حمایت های حزب کمونیست کانادا از مبارزات مردم ایران در طرد نیروهای ارتجاعی و دیکتاتوری و استقرار دموکراسی در ایران و نیز از مواضع انترناسیونالیستی حزب برادر در ایجاد صلح جهانی و بهبود وضع اقتصادی- اجتماعی زحمتکشان سایر کشورها قدردانی گردید. نماینده حزب ما در طول کنگره وضعیت حساس ایران و روند مبارزه کنونی نیروهای مترقی با ارتجاع ولایت فقیه و نیز موضع حزب در تحریم فعال انتخابات اسفند ماه جاری و تشکیل جبهه وسیع نیروهای مردمی را در به شکست کشاندن نمایش انتخاباتی نیروهای ماوراء راست ایران به نمایندگان مترقی کانادا توضیح داد که مورد استقبال قرار گرفت.

در عصر دومین روز کنگره نمایندگان کنگره در سرمای شدید مونترئال در کنار مجسمه انقلابی کبیر دکتر نورمن بتون در مرکز شهر تجمع نموده و گوشه هایی از زندگی نامه این کمونیست خستگی ناپذیر را از جنگ های داخلی اسپانیا تا کمک به بیماران در انقلاب چین و به دو زبان فرانسه و انگلیسی برای مردم خواندند و مراسم با خواندن سرود انترناسیونال به اتمام رسید.

ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی حزب

ولایت فقیه با آرمان های آزادی خواهانه مردم میهن ماست. حوادث روزهای اخیر و یورش گسترده ارتجاع، به رهبری خامنه ای و انصار او برای یکسره کردن کار مجلس شورای اسلامی و تحمیل انتخاباتی فرمایشی بر مردم میهن ما پوچ بودن آن نظراتی را به اثبات رساند که در سال های اخیر به دنبال استحاله رژیم و آشتی دادن ارتجاع با جنبش مردمی بوده اند. حوادث روزهای اخیر که چیزی جز تعطیلی کامل «مجلس نیم آزاد اسلامی» نیست در کنار ادامه و تشدید روند ارباب و سرکوب مخالفان بار دیگر موید این واقعیت است که با ادامه رژیم ولایت فقیه نمی توان به آینده کشور و تحقق روند اصلاحات امیدوار بود. در بیست و پنج سالگی انقلاب بهمن ۵۷، دادگاه افکار عمومی کشور ما و ترقی خواهان جهان، سران کنونی رژیم را به عنوان مشتی جنایتکار تاریک اندیش، همچون سران رژیم ساقط شده طالبان در افغانستان، و گروهی خیانتکار که انقلاب شکوهمند مردم ما را به بیراهه کشاندند، محاکمه و محکوم کرده است. کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیست و پنجمین سالگرد انقلاب بهمن، ضمن گرمی داشت خاطره تابناک شهدای راه آزادی که در سنگرهای انقلاب رزمیدند و جان خود را فدای آرمان های والای جنبش رهایی بخش میهن ما کردند، و ضمن تجدید عهد با آرمان های والای انقلاب بهمن، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، همه نیروهای آزادی خواه و دموکراتیک میهن را به تشدید و گسترش مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم فرا می خواند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که صف متحد خلق می تواند رژیم های دیکتاتوری را با شکست روبه رو کند و خواست های مردم را به کرسی بنشاند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ بهمن ۱۳۸۲

ادامه ضرورت هوشیاری کارگران ...

ضد مردمی شورای نگهبان و فشار همه جانبه جبهه ارتجاع شامل هیات های موقوفه، سپاه پاسداران، جامعه روحانیت مبارز و باندهای وابسته به هاشمی رفسنجانی برای تحمیل مقاصد ضد ملی خود به جامعه و تثبیت منافع یک قشر غارتگر غیر مولد، به صورتهای گوناگون بودیم. در همین ارتباط کلیه ارگان های گوش به فرمان رژیم در مسایل کارگری، به ناگاه سخت فعال شده و به فعالیت پر تب و تابی دست زده اند.

خانه کارگر، انجمن های اسلامی و کانون عالی شوراهای اسلامی کار همگی در یک سازمان دهی مشخص و با برنامه یی از پیش تنظیم شده و کاملاً هم سو و هم دست با باند رفسنجانی، وارد کارزاری هدفمند برای مقابله با مبارزات روبه گسترش زحمتکشان گردیدند. محتوی این سیاست حيله گرانه، دلسوزی و اشک تمساح ریختن برای منافع کارگران در ظاهر و توطئه و دسیسه برای به انفعال کشاندن زحمتکشان در باطن است. این سیاست ها از مدتها قبل از سوی شخص رفسنجانی بازگو شده بود.

دبیر کل تشکل زرد و ارتجاعی خانه کارگر در موضع گیری یی در خصوص مساله رد صلاحیت ها توسط شورای نگهبان خاطر نشان ساخت: "... به شکل برخورد شورای نگهبان انتقاد وارد است ... البته خانه کارگر در این مسایل اظهار نظر نمی کند، اما من شخصاً با این ترتیب رسیدگی به صلاحیت ها مخالف بودم."

وی سپس، تلویحاً از فاصله گیری خانه کارگر از طیف دوم خرداد سخن گفت و افزود: "در خصوص ائتلاف خانه کارگر با احزاب شاخص به رغم مذاکرات فراوان، ما هنوز تصمیمی در این رابطه اتخاذ نکرده ایم اما به لحاظ پیگیری مذاکرات خود با جناح چپ (بخوان اصلاح طلبان حکومتی) در صورت ادامه همکاری آن ها با آنان ائتلاف خواهیم کرد و در غیر این صورت ما به عنوان یک تشکل صنفی می توانیم به تنهایی وارد گردونه انتخابات شویم."

این موضع گیری هم منطبق با سیاستی است که از مدتها پیش رئیس کلی آن از سوی رفسنجانی و شرکاء ترسیم شده بود. در همین زمینه، نهادهای مذکور با تاکید و برجسته ساختن خواست های به حق زحمتکشان و اینگونه وانمود کردن که پیگیری این خواست ها فقط با تغییر شرایط کنونی یعنی تغییر در ترکیب مجلس، دولت و ثمره مفید و مناسب و در خور توجه پیدا خواهد کرد، می کوشند با ایجاد فضای دروغین مبارزات اعتراضی را منحرف و در یک مجرای قابل قبول برای نیروهای واپس گرا قرار دهند. در یک کلام، جنبش اعتراضی کارگران را در خدمت منافع مشتی غارتگر و دلال سازماندهی کنند. یعنی همان نیرویی که دشمن اصلی زحمتکشان و مخالف اصلی و جدی تأمین آزادی و عدالت اجتماعی است! حسن صادقی رییس کانون شوراهای اسلامی کار که، نقش فوق العاده مخرب در سالیان اخیر بر عهده داشته و از زمره مهر هایی است که، در ایجاد تفرقه و دودستگی در جنبش کارگری-سندیکایی سهم اساسی دارد، با اشاره به قرارداد های موقت یعنی معضلی که حل آن از خواست های بنیادین جنبش سندیکایی محسوب می گردد، یادآور شد: "افزایش کارگران قراردادی (موقت) اصل عملی شرکت های پیمانکاری است و گویایی این امر وجود سه هزار واحد خدماتی بدون مجوز در عرصه روابط کار است که، کارگران قراردادی (موقت) توسط این واحد های خدماتی، خدمات آدم

فروشی می شوند.... چهار سال است که مجلس شورای اسلامی با مصوبات ضد کارگری به حمایت از سرمایه و سرمایه دار پرداخته و حتی یک بار از خود سؤال نکرده است که، چه بر سر کارگران قراردادی (موقت) خواهد آمد، اما امروز که بحث انتخابات مطرح شده، آقایان می دانند که پای صندوق رای، انسان ها رای می دهند و سرمایه قدرت رای دادن ندارد، سراغ ما آمده اند."

معنا و مفهوم این سخنان کاملاً روشن است و ژرفای برنامه یی را آشکار می سازد که، ارتجاع برای انحراف جنبش کارگری طراحی کرده. واقعیت اینست که آنچه زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما را طی سال های اخیر پایمال ساخته، در درجه اول رژیم ولایت فقیه است. حاکمیت مبتنی بر اصل ولایت فقیه پدیدآورنده همه گونه ناهنجاری ها و مصایب قلمداد می شود و این امر فقر و تیره روزی زحمتکشان و بی قانونی در حق آنها را نیز شامل می شود.

اقدامات ضد کارگری مجلس ششم و اصلاح طلبان حکومتی در چارچوب همین نظام صورت گرفته، این حرکات بدون در نظر گرفتن این چارچوب یعنی ساختار حاکمیت و شالوده آن اصل ولایت فقیه قابل تحلیل و ارزیابی درست نیست. اما نکته دیگر اینکه، کلیه مصوبات ضد کارگری مجلس ششم و دولت، جدا از سمت گیری اقتصادی-اجتماعی مورد توافق جناح های حکومتی نبوده و نمی تواند باشد. همه برنامه هایی که تحت عناوین خصوصی سازی، تأمین امنیت سرمایه و جز اینها به مرحله تصویب و اجرا در آمده، نسخه هایی است که، از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به رژیم دیکته شده و سران بلند پایه این رژیم ضد مردمی و کارگر ستیز اجرای آن را وظیفه اصلی خود به شمار می آورند، زیرا این برنامه برای آنها پایه اصلی در تئوری حفظ نظام است. هر دو جناح و نه فقط اصلاح طلبان حکومتی بر سر برنامه های دیکته شده از سوی نهادهای قدرتمند سرمایه داری جهانی با حفظ مصالح و منافع خود توافق و اشتراک نظر دارند. البته این برنامه ها فقط منحصر به مجلس ششم و دولت خاتمی نیست، بلکه ریشه آن به دوران رفسنجانی باز می گردد و اوست که، هم دیروز و هم امروز و بی شک در سالهای آینده، سرسخت ترین مدافع چنین برنامه هایی بوده و خواهد بود. اصلاح طلبان حکومتی و مجلس ششم بر خلاف خواست و رأی توده های مردم و پیشاپیش آنها کارگران و زحمتکشان همان برنامه ها را ادامه داده و موجبات تقویت باز هم بیشتر محافل و نهاد های ارتجاعی را فراهم آوردند. در عین حال ذکر این نکته نیز ضروری است که، سمت گیری اقتصادی اجتماعی کنونی، در چارچوب برنامه های سوم و چهارم توسعه قرار دارد و جناح ذوب در ولایت تلاش می کند با تشکیل مجلس فرمایشی با حرارت به اجرای برنامه چهارم توسعه که مبنای آن بر خصوصی سازی و تأمین امنیت سرمایه استوار است بپردازد، زیرا برنامه یی است که ولی فقیه، مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان و دیگر نهادهای واپس مانده بر آن صحنه گذارده و آن را تأیید کرده اند. بر خلاف موضعگیری رییس کانون شوراهای اسلامی کار و امثال آن، جنبش اعتراضی کارگران باید برای مقابله با این هدف سازماندهی و تجهیز شود. تأمین منافع و خواست زحمتکشان جز از راه طرد رژیم ولایت فقیه قابل حصول نیست.

ماجرای همین جا خاتمه نمی یابد. موضعگیری محبوب ها و صادقی ها را عناصر پشت پرده یعنی طراحان اصلی توطئه که سر رشته آنها به مقر ولی فقیه و کرسی ریاست مجمع تشخیص مصلحت ختم می

ادامه ضرورت هوشیاری کارگران ...

شود، تنوریزه می کنند. در سایت خبرگزاری کار ایران ایلنا در هفته های اخیر در بخش کارگری ما شاهد انبوهی از مطالب در دفاع از حقوق کارگران بودیم، این به اصطلاح دلسوزی درست در راستای ترفندی است که در سطور پیشین بدان اشاره شد.

در یکی از این مقالات که، در اوایل بهمن ماه در این سایت انتشار یافت، طرح ایجاد فزاکسیون ضد خصوصی سازی مطرح می گردد. (دقت کنید ارتجاع با چه مهارتی مهمترین موضوعات را انتخاب می کند) در مطلب مذکور نوشته شده بود: "خصوصی سازی به اندازه کافی فقر و فاصله طبقاتی را افزایش داده و به سیاست های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت دست اندازی کرده است، دیگر بس است، هر نسخه ای برای شکست زمانی را لازم دارد.... خانه کارگر در انتخابات مجلس هفتم از مدافعان خصوصی سازی حمایت نمی کند."

نویسنده پس از آن شرحی را به تفصیل بازگو می کند که، بخشی از آن چنین است: «از آنچه که در پی سال های پس از جنگ به نام خصوصی سازی بر سر کارگران ایران رفت را می توان در پس جملات چرکین و سیاست بازانه این روزها آشکار ساخت، باید چشمی می بود برای دیدن و الا از کلمات چه کار بر می آید، اما چاره چیست، باید نوشت، آن چه در این نوشتار در رد عمل کرد، مدافعان خصوصی سازی می آید را به سال های پس از برافراشته شدن پرچم جنبش اصلاح طلبی در ایران محدود کرده ایم (خوب توجه کنید) و هدف از چنین برش زمانی، به تناسب حجم انتظارات جامعه کارگری (بخوان طبقه کارگر) از افرادی باز می گردد که با رای کارگران بر کرسی تهادهای انتخابی تکیه زده اند....»

در ادامه نیز به مواردی چون اصلاح قانون کار به سود کارفرمایان، تأمین امنیت سرمایه و مجموعه لوایح و قوانینی که بر ضد منافع زحمتکشان در مجلس ششم به تصویب رسید، اشاره می گردد و بسیار ماهرانه و هدفمند، سهم بزرگ رفسنجانی و دیگر واپس گرایان در این مساله نادیده گرفته می شود. و همه معضلات به عمل کرد اصلاح طلبان حکومتی محدود می گردد. به دنبال این مطلب، مقاله یی با نام ایجاد فزاکسیون قدرتمند کارگری در مجلس هفتم انتشار می یابد که در آن تشکیل مجلس هفتم که اکثریت کرسی های آن می باید طبق نقشه در اشغال عناصر وابسته به ارتجاع و جناح ذوب در

ولایت باشد، شرایط مناسبی نامیده می شود که حقوق کارگران با تشکیل آن، مورد توجه و حمایت قرار خواهد گرفت. هم راه این تئوری توطئه گرانه، شاهد تکاپوی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به منظور فریب زحمتکشان هستیم. به یکباره خواستهای صنفی رفاهی کارگران که تا همین دیروز از سوی خانه کارگر نادیده گرفته می شد، در سر لوحه کارزار تبلیغاتی این نهاد جای می گیرد. محبوب از اجرای طرح بازنشستگی کارگران با سابقه ۲۵ سال داد سخن می دهد و خطاب به کارگران کارخانه زمزم واقع در شرق تهران می گوید: "اقدامات لازم را به عمل آورده ایم و بالاخره تا ۱۰ شهریور ماه سال جاری این مصوبه لازم الاجرا می شود."

در یک حرکت نمایشی دیگر خانه کارگر اعلام داشت. با کوشش های خود توانسته پرونده گروه کثیری از کارگران اخراجی را به جریان دوباره بیندازد. در این باره دبیر کل خانه کارگر خاطر نشان ساخت: "با پیگیری ما، پرونده گروه کثیری از کارگران که با استناد به قانون مرور زمان در هیاتهای تشخیص و حل اختلاف مطرح گردیده و حکم مبنی بر پایمال شدن حقوق و سنوات آنها اعلام شده است، می توانند در خواست تجدید نظر کنند و حکم گذشته باطل است." مطابق آمار رسمی خود رژیم، هم اکنون بیش از ۱۶۰ هزار کارگر اخراجی شامل این مساله مرور زمان می شوند. هدف چنین نمایش کاملاً دروغین فریب کارگران و زحمتکشان و تأمین منافع سیاه لایه های سرمایه داری ایران است. به این ترتیب می توان چارچوب کلی و مضمون اصلی ترفند ارتجاع در مقابله با کارگران و زحمتکشان را ترسیم کرد و آنها را نسبت به این توطئه خطرناک آگاه کرد.

طبقه کارگر هوشیار و با تجربه ایران، هرگز فریب اینگونه بازی های ماهرانه مهره های پنهان و پیدای ارتجاع را نخواهد خورد. حل معضلات بی شمار و واقعاً عظیم که امروز بر دوش کارگران سنگینی می کند جز با طرد رژیم ولایت فقیه امکان پذیر نیست. طبقه کارگر آنچنانکه در سال های اخیر بارها نشان داده است، بازیچه دست هیچ یک از جناح های رژیم نخواهد شد و به مبارزه مستقل و خستگی ناپذیر خود برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه ادامه خواهد داد.

نظم نوین امپریالیستی برای

خاورمیانه!

با وجود رقابت سرسختانه اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای گسترش مناطق نفوذ و کنترل سهم برتر از منابع انرژی و بازارهای منطقه خاورمیانه که در جریان حمله و اشغال عراق جلوه مشخص بیرونی و علنی یافت، به نظر می رسد که سران ناتو در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ که سالانه برگزار می شود بر سر چگونگی اعمال و گسترش نظم امپریالیستی بر منطقه به توافق های مهمی رسیده اند.

دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا و از طراحان اصلی جنگ و اشغال عراق، در کنفرانس مونیخ، که در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه، برگزار شد با همتایان اروپایی خود در مورد مشخصه های اصلی طرحی که هدف آن گسترش نظم نوین در «خاورمیانه بزرگ»، از منطقه خلیج [فارس] گرفته تا آسیای مرکزی و از کشورهای کرانه مدیترانه گرفته تا افغانستان است، به توافق های مهمی رسید. جوشکا فیشر، وزیر خارجه آلمان، در میان حیرت بقیه کشورهای اروپایی در سخنرانی خود به نیابت از سوی اتحادیه اروپا از ابتکار آمریکا برای دگرگون کردن خاورمیانه حمایت کامل کرد و با تأکید بر ضرورت اجتناب از رقابت خواستار یک «طرح اروپایی - آمریکایی مشترک برای خاورمیانه شد....»

فایننشال تایمز (تایمز مالی) در سر مقاله تایید آمیزی، در روز ۲۰ بهمن، در رابطه با بحث اصلی کنفرانس می نویسد: «نظریه یک ابتکار عمل ماورا آتلانتیکی (Trans-Atlantic) برای ساختمان صلح، امنیت و دموکراسی در منطقه خاورمیانه آهسته، آهسته در حال شکل گیری است. این طرح در آخر هفته توسط آقای فیشر با عباراتی بسیار مشابه به آنچه که توسط پرزیدنت بوش و مشاورانش استفاده می شود، مورد استقبال قرار گرفت.» فایننشال تایمز ادامه می دهد: «این هفته ایالات متحده پیشهاد خواهد کرد که پیمان ناتو در قالب نوعی همکاری و اشتراک عمل جدید محدود عمل خود را به خاورمیانه گسترش دهد. این طرح آنگاه سعی خواهد کرد که هم اتحادیه اروپا و هم گروه ۸ کشور پیشرفته صنعتی را برای فراهم کردن حمایت سیاسی و اقتصادی متقاعد کند.» ایالات متحده خواستار

ادامه در صفحه ۶

ادامه انتخابات فرمایشی ...

این راه خدا می داند در این سال ها در اهانت به مقدسات مردم و نظام و تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب تا کجا پیش رفته اند. این جانب به حکم وظیفه الهی اعلام می دارم حضور در پای صندوق های رأی و گزینش نمایندگان شایسته یک وظیفه اسلامی و ملی است... مواضع مهدوی کنی روشنگر برنامه های ارتجاع در شرایط کنونی است. این برنامه که حزب ما ماه های پیش درباره آن هشدار داد عبارت است از تدارک گسترده و همه جانبه برای خاتمه دادن به روند اصلاحات، سرکوب خشن و گسترده نیروهای اصلاح طلب و آماده کردن زمینه برای استقرار یک مجلس و دولت ذوب در ولایت که در همخوانی و هم آهنگی با دیگر نهادها «ثبات و آرامش» را به صحنه سیاسی کشور بازگردانند. پایان کار مجلس ششم و تشکیل مجلس فرمایشی گوش به فرمان و «ذوب شده در ولایت» عملاً به معنای پایان کار دولت خاتمی نیز می باشد. بدیهی است که مجلس هفتم که باید به دولت رای اعتماد بدهد با ترکیب کنونی آن و شماری از وزرای موجود موافق نیست و خواهان تغییر در ترکیب دولت و همخوان شدن آن با سایر نهادها خواهد بود. ما در مجلس چهارم و پنجم نیز شاهد این روند بودیم. گنجاندن عناصر جنایتکاری همچون دری نجف آبادی، وزیر اطلاعات برگزیده خامنه ای و سازمان گر قتل های زنجیره ای، استیضاح و حذف وزاری همچون عبدالله نوری، و سپس محاکمه و زندانی کردن او، و همچنین حذف مهاجرانی از یادگارهای مجلس پنجم است که در کنترل ذوب شدگان در ولایت اوامر خود را به دولت خاتمی دیکته می کرد. نکته مهم دیگری که در هفته های اخیر شاهد آن بودیم تلاش مشترک خاتمی و کروبی برای جلوگیری از حاد شدن تنش ها و بی توجهی کامل سران ارتجاع به خواست ها و تلاش های آنان بود. با اعلام رد صلاحیت هزاران نامزد انتخاباتی کروبی و خاتمی از مجلس و اصلاح طلبان خواستند تا با پرهیز از حرکات تند و رادیکال به آنها اجازه دهند تا با رایزنی با ولی فقیه مسایل را حل کنند. سخنان عوام فریبانه خامنه ای و نصایح او به شورای نگهبان، که حزب ما به موقع خود آن را افشا کرد، و در پی آن تشکیل کمیته مشترک دولت و شورای نگهبان برای رسیدگی به رد صلاحیت های انجام شده، همه بخشی از این مانورها برای جلوگیری از کشیده شدن بحران به سطح جامعه و درگیر شدن مردم در این برخوردها بود. با شکست مذاکرات و سخنان تهدید آمیز خامنه ای درباره اینکه

ادامه نظم نوین ...

آن است که خاورمیانه بزرگ را شامل کشورهای خلیج [فارس] و عراق و افغانستان تعریف کند و لیکن در رابطه با شمول ایران و سوریه محتاط تر است. اینکه این طرح شامل چه کشورهایی می باشد، یکی از مسایل مورد اصطکاک می باشد. «تایمز مالی در انتها اذعان می دارد که مشخص نیست که چه کشورهایی در خاورمیانه اصولاً خواستار چنین رابطه ای با ناتو می باشند.

پیشنهاد آلمان متوجه پیوند زدن بین طرح «دیالوگ ناتو با کشورهای حوضه مدیترانه» که اسرائیل، مصر، اردن و چهار کشور شمال آفریقا را شامل می شود، با طرح موسوم به «پروژه بارسلون» اتحادیه اروپا می باشد که سوریه و لبنان را دربر می گیرد. در اساس این طرح همکاری نظامی - امنیتی کشورهای منطقه در چهارچوب ناتو را به پروژه بارسلون که متضمن پایه ریزی یک پیمان همکاری اقتصادی و ایجاد منطقه تجارت آزاد تا قبل از ۲۰۱۰ متصل می کند. آلمان معتقد به گسترش این روند برای شمول همه کشورهای جامعه عرب و حتی ایران است.

دیک چین، معاون رئیس جمهوری آمریکا و از طراحان سیاست نظامی گری دولت کنونی در مصاحبه مطبوعاتی با رسانه های جمعی اروپا، در روز ۷ بهمن، اظهار داشته بود: «مسئله مهم اینست که اجازه ندهیم که تفاوت بر سر یک موضوع و یا دسته ای از موضوعات شالوده اساسی اتحادیه را بلرزاند. دلایل خوب و مکفی وجود دارد که چرا ایالات متحده به اروپا به مثابه نزدیکترین دوستان و متحدان خود می نگرند. او مدعی شد که «مسئله عراق را پشت سر گذارده اند.» چینی در این مصاحبه به طرح آمریکا برای تغییرات وسیع در جغرافیای سیاسی منطقه که او آن را «گسترش دموکراسی در کشورهای عربی و اسلامی» نامید، اشاره کرد.

حکومت بدون یک روز تأخیر انتخابات را برگزار خواهد کرد و سپس سخنان توهین آمیز او در نماز جمعه این هفته تهران، فیصله تلاش هایی بود که خاتمی و کروبی آغاز کرده بودند. مواضع مجمع روحانیون مبارز و سران آن همچون کروبی و خاتمی و فراخواندن مردم به شرکت در انتخابات عملاً چیزی جز تن دادن و تسلیم کامل شدن در مقابل خواست های مرتجعان حاکم و زیر پا گذاشتن همه قول و قرار های قبلی، در زمینه برگزاری انتخابات آزاد نیست. سرنوشت شعار امکان تحقق «مردم سالاری اسلامی» در چارچوب رژیم ولایت فقیه جز این نیز نمی توانست باشد. هاشم آقاچری، زندانی دگراندیش رژیم فقها، و یار دیروزین سید محمد خاتمی، از پشت سلول های زندان گزمگان ارتجاع در این زمینه یاد آوری می کند: «فلسوفی گفته است که تاریخ دوبار تکرار می شود؛ یک بار بصورت تراژدی و دگر باره به گونه ای کمیک. گویی اینکه به تماشای تکرار کمیک تاریخ نشسته ایم.» وی در این نامه با تحلیل شرایط دوران مشروطه و چگونگی گزینش در انتخابات مجلس شورای ملی اضافه می کند: «با مرگ آزادی انتخابات و مجلس آزاد و مستقل از سلطنت، مشروطیت و آزادی نیز مرد و به دنبال آن استقلال کشور نیز قربانی سلطه خارجی گردید...» آقاچری در جای دیگر نامه در جمع بندی عملکرد دولت خاتمی می نویسد: «در کنار این تکرار کمیک تاریخ اما شاهد یک تراژدی هم هستیم. تراژدی خاتمی رئیس جمهوری که ایرانیان و جهانیان به او به عنوان پرچمدار حقوق شهروندی، آزادی و دموکراسی در ایران و منطقه چشم دوخته بودند اما اینک کارش به جایی رسیده است که اگر در گذشته فرصت سوزی های او را به حساب نتوانستن ها و نگذاشتن ها می گذشتند اکنون صورت گرفتن هر گونه عمل سودمند در جهت احقاق حق آرمان هایشان از جانب وی منتفی دانسته و از وی ناامید گردیده اند.»

انتخابات اول اسفندماه چیزی جز خیمه شب بازی ارتجاع برای تصاحب مجدد مجلس و پر کردن آن از عناصر تاریک اندیش و خادم استبداد نیست. تن دادن به این خواست و یا همکاری با آن نیز چیزی جز همکاری با مرتجعان حاکم و خیانت به منافع ملی میهن ما نمی تواند باشد. باید با تحریم وسیع و گسترده انتخابات، با افشای تلاش های ارتجاع برای تقلب گسترده و سازمان دهی اعتراض های مردمی نشان داد که مجلس آینده مجلسی ضد مردمی و غیر قانونی است. جنبش مردمی باید با هوشیاری خود را برای مقابله با تشدید بیش از پیش سرکوب و حملات کودتایی سران رژیم از جمله افزایش بگیر و ببند ها، بستن روزنامه ها و رسانه های اینترنتی منتقد آماده کند. تنها با اعتراض سازمان یافته توده ای و همبستگی نیروهای مترقی و آزادی خواه است که می توان توطئه های ارتجاع را با شکست روبه رو کرد.

ادامه چهارمین اجلاس ...

افشای دروغگویی ها و اغراق «خطر عراق»

در هفته های اخیر جهان شاهد افشا شدن دروغ گویی و فریب کاری جورج بوش و تونی بلر در تدارک و توجیه تهاجم وحشیانه برضد عراق بود. عدم کشف هیچگونه مدرک نشان دهنده وجود سلاح های امحاء جمعی و خطر واقعی از جانب رژیم صدام حسین، دولت های آمریکا و انگلیس را در مقابل افکار عمومی و نیروهای مخالف جنگ با چالش جدی روبرو ساخته است. در اوایل بهمن، دیوید کی یکی از گمارده های اصلی دولت آمریکا و مسئول گروه تجسس سلاح های امحاء جمعی در عراق، بدلیل بیهوده بودن ادامه تجسس از شغل خود استعفاء داد. اظهارات صریح او در مورد اینکه حتی قبل از حمله به عراق، رژیم صدام دارای سلاح های امحاء جمعی نبوده است، نشان می دهد که سیاست گذاران جنگ افروز دیگر توجیه برنامه های خود را بر پایه استدلال قبلی امکان پذیر نمی دانند. قابل توجه است، دیوید کی بعنوان یکی از هواداران سر سخت تهاجم به عراق در توضیح استعفاء خویش می گوید از قرار معلوم ما همگی در اشتباه بودیم! و او مدعی است که در این مورد به رئیس جمهور آمریکا اطلاعات نادرستی داده شده است!

سیاست گذاران و مبلغین حمله به عراق در میرا ساختن خود از هر گونه خطا سعی می نمایند که سازمان های سیا، اینتلیجنس سرویس و مخصوصا اطلاعات حاصله از جاسوسان عراقی را به عنوان مقصرین و مسئولان جنگ معرفی نمایند. جورج بوش و تونی بلر بعد از کشته شدن هزاران انسان بی گناه و تخریب عراق، می گویند که آنها از جزئیات کامل تسلیحات و اندازه خطر از جانب عراق مطلع نبودند اما با توجه به اطلاعات سری و اسناد ارائه شده چاره یی به غیر از جنگ وجود نداشت. البته این نیز یک دروغ محض است که بلافاصله در آمریکا و انگلیس با ناباوری گسترده و تمسخر در میان افکار عمومی و صاحب نظران سیاسی رو به رو گشته است. اتفاقا بنا به اظهارات کارکنان و حتی مسئولین ارشد سازمان های جاسوسی، مدارک ارایه شده از جانب آنها دقیقاً تحت هدایت و فشار سیاست گذاران بمنظور تا نید برنامه های جنگ تهیه می شدند. بنا به گزارش روزنامه مشهور گاردین چاپ لندن کوچکترین مقاومت و حتی توصیه نهادهای اطلاعاتی در مقابل این خواسته های دولت بوش با عکس العمل مقامات عالی رتبه کاخ سفید رو به رو می گشت. به عبارت دیگر اغراق و تزویر در دولت بوش به آن حد رسیده بود که حتی دستگاه دروغ سازی حرفه یی مانند سیا به آن معترض بوده است!

در انگلستان نیز بر طبق افشاگری خانم کاترین گان (یکی از کارکنان اینتلیجنس سرویس که تحت پیگرد قانونی قرار دارد)، هفته ها قبل از شروع جنگ زمانی که مساله حمله به عراق در سازمان ملل تحت بررسی قرار داشت، اینتلیجنس سرویس بنا به درخواست دولت بوش و دستور بلر موظف به شنود تمامی مکالمات اعضای شورای امنیت می شود. هدف بدست آوردن آنچنان اطلاعات محرمانه و یا خصوصی بود که بتوان رای شورای امنیت را به نفع سیاست تهاجمی آمریکا تغییر داد. قابل توجه است که این عمل دولت انگلستان اکیداً بر خلاف کنوانسیون ژنو حاکم بر روابط دیپلماتیک است.

هانس بلیکس بازرس سابق سازمان ملل تا قبل از حمله به عراق، در اظهارات اخیر خود (۸ فوریه) عملکرد بوش و بلر را به رفتار ریاکارانه دست فروشانی تشبیه کرد که با اغراق در عرضه اطلاعات سری مترصد کسب حمایت از جنگ بودند. بلیکس پرونده سازی دولت بلر حول مساله خطر عراق و کذب محض در مورد توانایی حمله شیمیایی عراق به انگلیس در عرض ۴۵ دقیقه، گفت: هدف ایجاد هیجان بود، بمانند فروشنده یی که برای فروش کالایی با گرافه گویی آن را پراهمیت نشان می دهد.

مسیر تحولات و افشاگری های اخیر در کنار فشار نیروهای ضد جنگ و بسیج افکار عمومی، شدیداً سیاست های جنگ افروزی بوش و بلر را زیر ضربه قرار داده است. هردوی آنان، نه تنها در جهان، بلکه در کشورهای متبوع خود به منزله ریاکاران سیاسی و جنگ افروزان شهرت یافته اند. قابل توجه است که مساله عراق از هم اکنون انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را تحت الشعاع قرار داده است. جورج بوش و گروه محافظه کاران افراطی در هیئت حاکمه آمریکا که تا بحال خود را به عنوان قهرمانان جنگ می دانستند و سر مست از پیروزی با وجود رشد مشکلات ساختاری اقتصادی تصور می کردند که جنگ و اشغال عراق ضامن موفقیت انتخاباتی آنان خواهد بود. در صورتی که شواهد نشان می دهد تحولات اخیر و ادامه آن می تواند باعث شکست کارزار انتخاباتی بوش گردد.

نظر خانم شیرین عبادی طی یک مصاحبه با خبرگزاری فرانسه این بود که «آمریکا به بهانه فقدان دموکراسی به عراق حمله کرد اما دموکراسی قابل صدور نیست، همچنانکه حقوق بشر را نیز با بمب نمی توان صادر کرد.» و در جای دیگری پس از اظهار اینکه در اجلاس اجتماعی جهانی بارقه ای از امید را می بیند گفت: «امیدوارم که روزی فرا رسد که دیگر «جهانی شدن» مترادف با بی عدالتی نباشد بلکه در آن زمان انسان در مرکز «جهانی شدن» قرار گیرد.» از پشت تریبون مرکزی در برابر ده ها هزار نفر، یک رساله نویسنده نام آور هندی، خانم «آندھاتی روی»، با تمی بس رزمجویانه علیه سیاست بوش در عراق طنین انداز شد. این زن جوان توده یی که بخاطر مبارزاتش در کنار دهقانان و برای دفاع از منابع طبیعی سر شناس است، اعلام کرد: «ملت ها علیه امپریالیسم نوین در حال نبرد هستند» و همگان را فرا خواند تا از «مستعمره شدن عراق جلوگیری کنند.» اجلاس اجتماعی جهان پس از شش روز فعالیت زنده و بحث های همه جانبه به کار خود خاتمه داد و شرکت کنندگان با دلگرمی بیشتر و محسوس به روستا ها، شهر ها و کشورهای خود باز گشتند تا مبارزه را به اشکال دیگر و مختلف ادامه دهند. اما در مقابل، اجلاس اقتصادی داوس که در روز پایانی «اجلاس اجتماعی جهانی» کار خود را شروع کرد، اجلاسی بی رونق تر از سال پیش بود. سی و سومین اجلاس اقتصادی جهانی سرمایه داران روز ۲۱ ژانویه مطابق معمول هر ساله با حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر از «تصمیم گیرندگان»، نخبگان و مسئولین جهان اقتصاد و سیاست از جمله چندین وزیر اقتصاد و دارائی، رئیس بانک مرکزی اتحادیه اروپا و بیست نفر از وزرای کشورهای عضو «سازمان تجارت جهانی» در داوس برای یک «نمایش مقدس» بزرگ سالانه دور هم جمع شدند. یکی از مسائل مطرح شده وضعیت اقتصادی جهان بود که در باره آن پاره یی از خبرگان، بر رغم سقوط دلار و ادامه مستمر کسر بودجه آمریکا نوعی اعتماد و خوشبینی را ابراز می داشتند در حالی که سقوط دلار سبب ناراحتی شرکای تجاری آمریکا شده است. هم چنین کوشش فراوانی به عمل آمد تا دنباله مذاکرات «کن کان» که در سپتامبر گذشته به ناکامی انجامید تا قبل از پایان سال جاری مسیحی از سر گرفته شود. ولی به هر تاولی داوس نتوانست برای این منظور زمینه مساعدی فراهم آورد. زیرا علت شکست «کن کان» که امتناع کشور های غنی از بر داشتن حتی یک قدم قطعی در جهت حذف سوبسیدهای کشاورزی بود، کماکان در جای خود باقی بود.

مساله عراق نیز از مسائلی بود که در مرکز توجه اجلاس داوس قرار داشت، بدون آنکه به جایی برسد. فقط «جک استراو» وزیر خارجه انگلیس بار دیگر در مقام مدافع جورج بوش خود را افشاء و از جنگ و اشغال عراق دفاع کرد. او واقعیت ها را دگرگونه جلوه داد و مدعی شد که: «اگر ما هیچ کاری نمی کردیم، امروز جهان محلی بسیار خطرناک تر بود!» امسال آقای خاتمی، رئیس جمهور رژیم اسلامی نیز در اجلاس شرکت کرد و «خوش بینی خود را نسبت به حل بحران سیاسی ایران ابراز داشته بود (آن چنانکه دیدیم!) در روز آخر اجلاس مطابق معمول هر ساله تظاهرات مخالفان اجلاس داوس انجام گرفت.

چهارمین اجلاس اجتماعی جهانی در تسخیر «داغ نفرت خوردگان» هندی!

همانگونه که سال گذشته تصمیم گرفته شده بود، امسال برای اولین بار اجلاس اجتماعی جهانی برای فراگیر تر شدن از زادگاه خود پورتوالگره برزیل به بمبئی هندوستان آمد و در آنجا «داغ نفرت خوردگان» هندی، «نجنس» ها (دالیت ها)، یعنی بی نوایان خارج از کاست ها، بی نام و نشان های جوشیده از اعماق جامعه هند، حضور قدرتمند خود را به نمایش گذاشته و مهر و نشان خود را بر آن نهادند. اجلاس با راهپیمایی ۱۵۰۰ «دالیت» آغاز شد و از آن پس در طول شش روزی که اجلاس به کار خود ادامه می داد، نمایش ها، تظاهرات و حرکت های معنا دار و مطالبه گر آنان تمامی جو اجلاس را مورد تاثیر قرار داد. اینان از همه جا آمده بودند! هیئت های بسیاری از روستا ها با ساز ها و موسیقی و لباس های محلی در خیابان ها رژه می رفتند، می رقصیدند و موجودیت و حضور خود را نشان می دادند. آن ها به سالن های مختلف کنفرانس سر می کشیدند و هر جا که گذار آنان می افتاد، سخنرانان با کمال میل سخنان خود را قطع می کردند تا صف آنان از سالن ها بگذرد. و این رژه های شادمانه سرشار از امید، مفهوم و هدف های نبرد آنان را بیان می کرد، این هدف ها آنقدر ساده و آنقدر حیاتی بودند که نیازی به سخن گفتن طولانی و فراوان در مورد آنان نبود: «غذا برای همه»، یا «آسیا را از جهانی شدن نجات بدهید!»

انبوه توده ها و خانواده ها و حضور چشمگیر زنان نشانگر حمایت از مبارزه بی بود که اجلاس امسال علیه خشونت و تبعیضی که نسبت به زنان اعمال می شود، در برنامه خود داشت. تهیدستانی که هر روزه می رزمند و قربانیانی که مدام در رنج بسر می برند در محل کنفرانس ها و سخنرانی ها جمع می شدند و رشته کلام را با بیانی ساده بدست می گرفتند. مثلاً شاهدانی از قبیله «تامیل نادو» که از جنگل هائی که زیستگاه شان بود رانده شده بودند، می گفتند که: «ما را از زمین هایمان بیرون می کنند برای آنکه می خواهند در آنجا برای چند ملیتی ها ساختمان بسازند و ما را از کاشانه خود بیرون می کنند بدون آنکه خسارتی به پردازند، زیرا ما عامی هستیم، بی سوادیم، برای اینکه قادر نیستیم از خود و حقوق خود دفاع کنیم.»

در سومین روز اجلاس، مقارن ظهر وقتیکه کنفرانس های صبحگاهی پایان می پذیرفت، ناگهان تمامی خیابان ها توسط صفوف پی در پی «مطالبه گران» حقوق انسانی با پاندول های پارچه ای، با پرچم، طبل و ترومپت، پوشیده شد. در میان اینان اعضای سازمان های روستائی و انجمن ها، نمایندگان محلی به همراه کودکانی که حتی به مدرسه رفتن را به جای کار کردن نوکروار مطالبه می کردند، کم نبودند. این زنان و مردان بانگ فریاد اعماق هندوستان را به اجلاس آورده بودند و می بایست که به درد دل هایشان که در عین حال می توانست بازتابی از فریاد «بی زمینان» برزیل نیز باشد، گوش داده می شد. وقتیکه سخنرانان از حقوقشان دفاع می کردند، آنان با چه هیجان و حرارتی دست سخنرانان را می فشردند. تمامی گفته ها و درد دل هایشان بازگو کردن زندگی مشقت بار، تبعیض، ستم، فقر و بی حقوقی میلیون ها هندی «بی حق و حقوق» بود.

در همین مقطع اجلاس در یک نمایش فوق العاده جالب ده کودک صحنه هایی از زندگی روزمره کودکان کوچه گرد بمبئی را به صورت «پانتومیم» به نمایش گذاردند. پس از نمایش هر صحنه یک کودک پلاکاردی را که بر آن یکی از حقوق کودکان نوشته شده بود: (آموزش، بازی، حمایت، مورد محبت قرار گرفتن و ...) را بر می افراشت. صحنه هایی که به نمایش گذارده شده بود شامل تجاوز بزرگسالان به کودکان، رفتار خشونت آمیز پلیس با کودکان، گدائی و نظایر آن بود. و این چنین بود که در طول اجلاس مباحثات

بزرگی برای مبارزه علیه کاست، برای حقوق زنان و کودکان و برای ارج و ارزش دادن به «دالیت» ها در گرفت.

بازگو کردن آنچه که در جریان اجلاس دیده شد و یا سخنان آنانی که از دور و نزدیک آمده بودند در یک و یا چند مقاله امکان پذیر نیست. ولی این بخش از رخدادهای اجلاس را می توان با یک نمونه به پایان برد: «جی. اس. ماکوانا» که یک «دالیت» چهل ساله و عضو انجمن «ناوسار جان» در منطقه بی نزدیک احمد آباد پایتخت گجرات است، داستان زندگی خود را بازگو کرد. او بطور سالانه به «اجاره» یک مالک در می آید تا زمین او را کشت کند. او و همسرش در روز برای ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار ۴۰ روپیه (کمتر از یک یورو) می گیرند. آن ها حق ندارند به خانه کاست های دیگر وارد شوند. سه بچه دارند که به مدرسه می روند ولی چون اغلب گرسنه هستند مجبورند با دستمزدی بسیار ناچیز به کار بپردازند. او گفت: «وقتی که من درخواست آب آشامیدنی می کنم، مالک به من اجازه نمی دهد که خود سطل را بردارم تا سطل نجس نشود. او آب را در دهان من می ریزد و مواظب است که با من تماس پیدا نکنند. وقتی که می خواهد دستمزد را بپردازد، پول را روی زمین می اندازد، باز هم برای اینکه مبادا کوچکترین تماسی با من حاصل شود.» و بدین سان بود که سیستم هندی کاست ها که نمایانگر بدترین نوع تبعیض است و از هر چهار هندی یک نفر را دربر می گیرد، از هر سو مورد حمله قرار گرفت و فریاد «کاست گورت را گم کن» در همه جا طنین انداز بود. در چنین محیطی چهارمین کنفرانس اجتماعی جهانی با شرکت یک صد هزار نفر از ۱۳۰ کشور جهان به مدت شش روز از تاریخ ۱۶ ژانویه آغاز شد. امسال از آسیا شرکت کننده فراوان بود. کنفرانس توسط رقصنده مشهور هندی خانم «ملکه ساراب هائی» که به خاطر فعالیت های مبارزه جویانه اش شهرت دارد، گشایش یافت و گفت: «جهانی دیگر امکان پذیر است و فوری است.» کارهای اجلاس عمدتاً روی مساله تغذیه و حقوق مربوط به آن و نیز مبارزه برضد نظامی گری و موضوع تبعیض ها متمرکز بود. نظامی گری و صلح وسیعاً مورد گفتگو قرار گرفت. مبارز برجسته در راه صلح، «کن سو هنگ» از کره جنوبی اعلام کرد که: بزرگترین تهدید برای جهان از جانب ایالات متحده آمریکا و رئیس جمهورش، بوش، ناشی می شود. او گفت که اگر بوش در سال ۲۰۰۵ هنوز بر سر کار باشد جهان در جنگ دیگری در کره درگیر خواهد شد.

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۹۰۰ کرون	الف. فنی
۲۰۰ کرون	به یاد رفیق سراجی
۳۰۰ کرون	سه نفر از هواداران
۲۰۰ دلار	چمنی آرش از آمریکا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 680
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

17 February 2004

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک